

بررسی نقش شیوه‌های فرهنگی پیشگیری از جرایم اخلاقی در فضای مجازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲

جعفر حسین پور^۱، زکریا ترکمان^۲

از صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۶

چکیده

زمینه و هدف: گسترش روزافزون جرایم در فضای مجازی - با توجه به تأثیرات منفی که بر روی فرهنگ اجتماعی دارد - مورد توجه ویژه مسئولان و کارشناسان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و سایر حوزه‌ها بوده و برای پیشگیری و کاهش آن، نیاز به برنامه‌ریزی همه‌جانبه است و تنها با برخورد‌های امنیتی این پدیده قابل کنترل نیست. هدف این پژوهش، بررسی نقش شیوه‌های فرهنگی پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی است.

روش‌شناسی: برای انجام این پژوهش، از روش توصیفی پیمایشی استفاده شده و اطلاعات مربوط به پژوهش از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته که در بین ۱۲۰ نفر از متولیان فرهنگی شهر همدان توزیع گردیده، جمع‌آوری شده است. فرضیه‌های پژوهش، با استفاده از آزمون‌های میانگین، انحراف معیار، کای اسکوئر، آزمون فریدمن و آزمون تی تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه «آگاه‌سازی خانواده‌ها» با میانگین ۴۰/۷۲، بیش‌ترین نقش را در پیشگیری از جرایم اخلاقی در فضای مجازی مطالعه موردی شهر همدان در سال ۹۴ داشته و در رتبه اول قرار دارد و پس از آن، «ترویج سبک زندگی اسلامی» با میانگین ۱۷/۲۸ در رتبه دوم و «نظارت همگانی» با میانگین ۱۲/۳۱، در رتبه سوم قرار دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای آگاه‌سازی خانواده‌ها، ترویج سبک زندگی اسلامی، نظارت همگانی، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و آموزش استفاده صحیح از ابزارهای ارتباط جمعی، با متغیر پیشگیری از جرایم اخلاقی در فضای مجازی رابطه معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها

فرهنگ، پیشگیری، جرم، اخلاق، فضای مجازی.

۱. دانشیار ارتباطات دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)، j.sadat95@gmail.com

۲. دانش‌آموخته کارشناس ارشد دانشگاه علوم انتظامی امین

زمانی که صحبت از فضای مجازی به میان می‌آید؛ مردم اغلب به رایانه‌ای فکر می‌کنند که به اینترنت متصل است؛ درحالی‌که این فقط بخش بسیار کوچکی از فضای مجازی را تشکیل می‌دهد. اینترنت، فضایی شامل چندین محیط است و گرچه بین محیط‌های مختلف آن هم‌پوشانی وجود دارد؛ ولی هر محیط از لحاظ ویژگی‌های ارتباطی، مستقل به شمار می‌آید. برخی مشخصه‌های بنیادین که به هنگام تجربه این محیط‌ها بر رفتارهای ما اثر می‌گذارند، با یکدیگر متفاوت‌اند (والاس، ۱۳۸۲: ۴۰). از نگاه دیوید بل (۲۰۰۱)، فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد «بیت» رد و بدل می‌کنند. فضای مجازی زمان و مکان نمی‌شناسد؛ همه‌جایی و همه مکانی است؛ مرزها را به سهولت می‌پیماید و در یک چشم به هم زدن از رموزی پرده می‌گشاید که به چنگ آوردن آن‌ها در عالم واقع، مستلزم صرف انرژی، زمان و هزینه‌ی بسیار است و گاه غیرممکن به نظر می‌رسد (عاملی، ۱۳۸۷). امروزه و در عصر حاضر که عصر فناوری نام گرفته است، فضای سایبری که عمده‌ترین آن شبکه جهانی اینترنت است؛ در هر خانه و خانواده‌ای جایگاه خود را پیدا کرده و تأثیر چشمگیری در شکل‌دهی فرهنگ، هویت و ارزش‌های اجتماعی بر جای گذاشته است. در جامعه امروز، استفاده از فضای مجازی در میان همه گروه‌های اجتماعی اعم از زن و مرد و پیر و جوان، باسواد و بی‌سواد، از جذابیت خاصی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که استفاده از این فناوری امری اجتناب‌ناپذیر شده و زندگی را برای کسانی که به آن خو گرفته‌اند دشوار می‌سازد.

واقعیت این است که امروزه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطات، فضایی را به وجود آورده که دنیای ما را در کمیت و کیفیت، دچار تحولاتی عمیق ساخته است. در این میان، فضای مجازی با ابزارهایی قابل حمل، مانند تلفن‌ها و رایانه‌های همراه در دسترس همگان قرار گرفته است و همه‌ی شهروندان می‌توانند در تولید محتوا و عرضه‌ی آن مشارکت کنند. دیگر هیچ زمان یا مکان خاصی، امتیازی برای زمان‌ها یا مکان‌های دیگر ندارد و زمان و مکان به صورت‌های صرف تبدیل شده‌اند. در جوامع ماقبل نوین، مکان بیشتر حضور مادی تعریف می‌شد و از همین روی خصلتی محلی داشت؛ با فرا رسیدن نوگرایی، مکان بیش از پیش از محل جدا شد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۶۶)، البته در کنار این

فرصت‌ها؛ تهدیدهای امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی نیز به نحو فزاینده‌ای گسترش یافته است؛ از جنگ سایبری گرفته تا تولید اطلاعات مستهجن و خلاف اخلاق، هرزه نگاری، انتشار تصاویر خصوصی افراد در فضای مجازی و...؛ همه‌ی این تهدیدها، لزوم رسیدگی جدی به این فضای جدید و بررسی نقش شیوه‌های فرهنگی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی را نشان می‌دهد.

گسترش روزافزون حضور اقشار مختلف جامعه در فضای مجازی، باوجود تمام محاسن و مزایای آن، یکسری دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را بر خانواده‌ها تحمیل کرده و موضوعی است که در تمام جوامع موضوعیت داشته و محدود به جامعه و یا اقلیتی خاص نمی‌شود. به دلیل ویژگی‌های خاص فضای مجازی و نو بودن این پدیده؛ بسیاری از والدین فرصت، امکان و یا توان کافی برای شناخت دقیق این فضا و کاربردهای آن را به دست نیاورده‌اند و عدم آشنایی مناسب آن‌ها با این فضا و در مقابل، استفاده روزمره نوجوانان و جوانان و حتی کودکان از این فضا؛ باعث شده است که یک فضای محرمانه و خصوصی در داخل خانه برای فرزندان ایجاد شود و آن‌ها بدون دغدغه و بدون احساس وجود ناظر بیرونی به وب‌گاه‌ها و شبکه‌های مختلف در این فضا دسترسی یافته و بعضاً به دلیل ویژگی‌های سنی، شخصیتی و کنجکاوی‌های خود- متأثر از فضاهای ناسالم موجود- در فضای مجازی مرتکب بعضی از جرائم اخلاقی شوند.

با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع، در جامعه ما نیز در سال‌های اخیر، به فناوری اطلاعات و ارتباطات توجه زیادی شده است و بروز آسیب‌های نوظهور، می‌تواند زمینه‌ساز نوع جدیدی از آسیب‌های اجتماعی و روانی و اخلاقی باشد؛ به همین دلیل، برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش جرائم اخلاقی، لازم و ضروری می‌نماید. آسیب‌های نوظهور و جرائم اخلاقی مرتبط با فضای مجازی با استفاده از ماهواره، بازی‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و اینترنت، می‌توانند در این مجموعه قرار گیرند. با توجه به گسترش روزافزون جرائم اخلاقی در بستر فضای مجازی در سراسر کشور، ضروری است که تحقیقات لازم صورت پذیرد و در مبانی نظری، با استفاده از نظریات نظریه پردازان پیشگیری از جرم و همچنین فضای مجازی، به این مسئله پرداخته شود. حال، سؤال اصلی در این پژوهش این است که «شیوه‌های فرهنگی چه نقشی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی دارد؟»

بیان مسئله

رسانه‌های همگانی، از جمله عوامل اساسی شکل دادن افکار عمومی در جهان امروز هستند (اسدی، ۱۷۴، ۱۳۷۱). مک لوهان معتقد است که رسانه‌ها شیوه فعالیت و روابط انسان‌ها را شکل می‌دهند و درجات آن را تعیین می‌کنند (کازینو، ۱۳۶۴: ۳۶-۷).

تحولات شگفت‌انگیز فناوری اطلاعات و ظهور و پیشرفت فناوری در عرصه‌های مختلف، به ویژه گسترش روزافزون حضور و فعالیت در فضای مجازی توسط اقشار مختلف مردم اعم از پیر و جوان، زن و مرد، شهری و روستایی، شاغل و بیکار به ویژه جوانان و نوجوانان تحصیل کرده، توانسته است؛ زمینه‌ساز بسیاری از تغییرات در زندگی مردم جامعه ما باشد و در نتیجه، منجر به ایجاد چالش‌های متعددی در زندگی با آنان شود. بنابر نظر کاستلز، فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی، امکان پیدایش جامعه‌ای را فراهم می‌آورد که شبکه‌ای از افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت‌های تازه‌ای می‌بخشد. کاستلز جهان آینده را، جهانی مجازی، شبکه‌ای هوشمند با تاروپود اطلاعات و ماهیت فرهنگی همراه با بحران هویت می‌بیند.

او معتقد است: «در این جامعه شبکه‌ای، قدرت را باید در شبکه‌های جهانی که دارای هندسه‌ای متغیر و جغرافیایی غیرمادی است جستجو کرد و شبکه اجتماعی مجازی، ساختاری اجتماعی است که از گره‌هایی - که عموماً فردی یا سازمانی هستند - تشکیل شده است که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی و از طریق فضای مجازی به هم متصل‌اند» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۰). (کاستلز، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ و ۲۰۰۵). امروزه حضور در شبکه‌های اجتماعی، در حوزه‌های وسیعی در حال افزایش است. محیط‌های برخط، نفوذ فزاینده‌ای بر تمامی گستره زندگی انسان پیدا کرده است (هامپتن، ۱۹۹۹). در چنین جامعه‌ای، دسترسی به اطلاعات افزایش یافته و اطلاعات اهمیت زیادی در زندگی روزمره پیدا کرده و سبب تغییراتی در ساختارهای شغلی، ارزش‌ها، باورها، هویت و ... شده است (رفعت جاه و شکوری، ۱۳۸۷). همان‌طوری که اشاره شد؛ فضای مجازی توانسته است تغییرات متعددی در زندگی جوامع انسانی ایجاد کند و افراد جامعه، به دلیل آنکه در سازگاری با این تغییرات موفق نبوده و فرهنگ بهره‌برداری از این فضا را نداشته‌اند؛ تبدیل به یک مسئله مهم شده؛ به گونه‌ای که سال‌های اخیر، فضای مجازی به گفتمان حاکم بر سپهر ارباب سیاست بدل شده است.

بی توجهی به مقوله افزایش روزافزون جرائم اخلاقی در فضای مجازی؛ هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را به‌طور مضاعف افزایش داده است و ظرفیت‌های ملی را به هدر می‌دهد. منفی‌ترین پیامد آن را می‌توان به خطر افتادن حریم خصوصی افراد، منزوی شدن آن‌ها و از هم پاشیدگی بنیان خانواده معرفی کرد (اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۳۵). با توجه به اهمیت این مقوله، باید اذعان داشت که سیاست‌گذاری در حوزه پیشگیری از جرائم - به ویژه جرائم اخلاقی در فضای مجازی - با بخشی‌نگری و جزئی‌بینی، راه به مقصود نمی‌برد، بلکه باید به آن به مثابه دانشی بنیادین نگریست که پیکره فرهنگ بر آن بنا نهاده می‌شود.

از سوی دیگر، فقر فرهنگی و عدم پابندی به ارزش‌های جامعه و باورهای دینی، یکی از عوامل مهم ارتکاب برخی جرائم اخلاقی در فضای مجازی است. با ظهور و گسترش دنیای مجازی، موانع بسیاری از بین رفته و ارتکاب جرایم تسهیل شده است. فضای مجازی شرایطی را به وجود آورده که مجرمان می‌توانند در مکان‌هایی غیر از جاهایی که آثار و نتایج اعمال آن‌ها ظاهر می‌شود؛ مرتکب جرم شده و به راحتی و با کمترین هزینه و اضطراب، بیش‌ترین خسارات و صدمات را به بار آورده و درعین حال ناشناخته باقی بمانند. بینندگان در این فضا، به تدریج از چنین ارزش‌های متأثر شده و برای عقب نماندن از ارزش‌های پیشرفته جوامع غربی، ارزش‌های دیگری را چون سبک آرایش و لباس خاص و... را به صورت عادت در خود درونی و بخشی از جسم خود کرده و با خود همراه می‌کنند (بوردیو، ۱۹۸۹: ۸۷). ارتکاب جرایمی نظیر هرزه‌نگاری، انتشار و تبادل متون غیراخلاقی و آثار مبتذل و مستهجن از طریق شبکه‌های اجتماعی یا تسهیل دسترسی افراد به محتوای مبتذل و مستهجن، مزاحمت‌های اینترنتی، فریب و اغفال دختران و زنان، ترویج بی‌بندوباری‌های جنسی و روابط ناسالم دختران و پسران در قالب وب‌گاه‌های دوست‌یابی، اشاعه ناهنجاری‌های اخلاقی، افشای اسرار و تجاوز به حریم خصوصی افراد، توهین به ارزش‌های اخلاقی و... (منادی، ۱۳۸۵؛ بوستی، ۱۳۷۹؛ بهنام، ۱۳۸۳؛ محمودیان، ۱۳۸۵؛ مورالی دانیو، ۱۳۸۳)؛ نمونه‌ای از جرایم سایبری است که عدم توجه به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه، آن را به وجود آورده که مهم‌ترین راهکار مقابله با آن، فرهنگ‌سازی و بررسی و تقویت شیوه‌های فرهنگی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی است.

بدون شک آگاه‌سازی خانواده‌ها، ترویج سبک زندگی اسلامی، نظارت همگانی و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی و فرهنگی شهروندان می‌تواند در پیشگیری از وقوع جرائم و کاهش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی در فضای مجازی مؤثر باشد؛ بنابراین ضروری است که سیاست‌های مدون اطلاع‌رسانی و آگاهی‌افزایی تدوین شود و حدود، نقش و وظیفه هر کدام از دستگاه‌ها در پیشگیری از جرائم اخلاقی مشخص شود. نقشی که شیوه‌های فرهنگی پیشگیری از جرائم در فضای مجازی می‌توانند در مقوله جرم‌زدایی داشته باشند؛ بسیار حائز اهمیت است و می‌توان ادعا کرد که بیش‌ترین نقش را دارند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های فرهنگی کلاسیک غرب

امیل دورکیم^۱

الف) دورکیم معتقد است که فرهنگ، عامل وحدت اجتماعی یا همبستگی اجتماعی است؛ بنابراین، اختلاف و کشمکش یا تداوم محرومیت‌های اجتماعی را نمی‌توان به حساب نقش فرهنگ گذاشت. وی دو نوع همبستگی را با توجه به ساده و صنعتی بودن جامعه، از همدیگر متمایز می‌کند و معتقد است که در جامعه ساده، همبستگی مکانیکی (همبستگی ناشی از همانندی) رواج دارد و در جامعه صنعتی؛ همبستگی ارگانیکی (همبستگی ناشی از تفاوت‌ها). در جوامع ساده، مردم به هم شبیه‌ترند و وظایف یکسانی را انجام داده و حداقل تفاوت‌های فردی وجود دارد که نتیجه این وضع، همبستگی مکانیکی است؛ در این همبستگی، شباهت در اندیشیدن وجود دارد و به همین دلیل مردم انعطاف کمتری دارند و گرایش به سختی و خشونت در آن‌ها بیشتر است؛ در این جامعه، گذشت و اغماض چندانی برای انحراف وجود نداشته و هنجار حاکم هم رنگی با جماعت است؛ اما در جوامع صنعتی برعکس بوده و همبستگی نه از همانندی افراد جامعه، بلکه از تفاوت‌هایشان پرورش می‌یابد (ثلاثی، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

البته دورکیم بعدها نظریه‌اش را تعدیل کرد و بیان کرد که تنها اگر اعضای یک جامعه متکی بر یک رشته تجلی‌های نمادین مشترک و نیز مفروضات مشترک درباره جهان پیرامونشان باشند و بر پایه یک ایمان مشترک مبتنی باشند؛ می‌توان وحدت اخلاقی‌شان را تضمین کرد؛ وگرنه بدون اعتقادات مشترک، هر جامعه‌ای محکوم به تباهی و فروپاشیدگی خواهد بود.

1. Emile Durkheim

ب) دورکیم، نقش پرننگی را برای فرهنگ در جهت ایجاد ثبات اجتماعی و همچنین تعامل اجتماعی قائل بود. از نظر وی، جامعه تا حد زیادی یک پدیده اخلاقی است و احساس همبستگی، گردهم آورنده اجزای آن است و جامعه را سر پا نگه می‌دارد (فلیپ، ۱۳۸۷: ۴۶).

ج) دورکیم، فرهنگ (الگوهای عمل، باور و احساس) را برخاسته از نیازها و شیوه سازمان یافتگی ساختار اجتماعی و نه انتخاب یا تفسیر خود عامل از جهان اجتماعی می‌بیند. وی در مورد دین و آداب دینی به عنوان جزء محوری فرهنگ (البته در دیدگاه غیراسلامی به دین؛ چراکه در نگاه اسلامی و در جامعه اسلامی، دین فرهنگ‌ساز به شمار می‌رود و نه جزئی از فرهنگ)، خاطرنشان می‌کند که جوامع گوناگون هر از چندی به تناوب با برپایی آداب دینی گردهم می‌آیند تا نیازشان را به نیایش امور مقدس برآورده سازند. دورکیم در خاتمه نتیجه می‌گیرد که دلیل واقعی وجود دین و آداب دینی، نه پرستش خدایان؛ بلکه بازسازی پیوندهای اجتماعی بوده است. وی این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد که همه ادیان متضمن اعمال تشریفات و شعائر منظمی هستند که در آن، گروهی از مؤمنان گردهم می‌آیند و در مراسم تشریفاتی جمعی، حس همبستگی گروهی، تأیید و تقویت می‌شود (صبوری، ۱۳۸۶: ۴۰۵).
نظریه ماکس وبر^۱

الف) وبر نیز همچون دورکیم، بر نقش با اهمیت دین در فرهنگ تأکید داشته و دین را به عنوان بُعد محوری فرهنگ قلمداد می‌کند؛ با این تفاوت که «وبر»، بر محتوای ذهنی نظام‌های تجریدی ایمانی و اعتقادی تأکید بیشتری دارد؛ در حالی که دورکیم، به عواطف غریزی و درونی انسان تقدم می‌دهد. تفاوت قابل ملاحظه دیگر میان این دو، در نگرش به نقش دین در جوامع معاصر است. دورکیم به وضوح عقیده دارد که پیوندهای معنوی و اهداف قدسی دارای اهمیت حیاتی در جهان امروزند؛ اما وبر از این ایده دفاع می‌کند که با آغاز مدرنیته، جهان به سمت تهی شدن از معنا پیش می‌رود و توجه اصلی بشر بر کارایی و عقلانیت است و کنش مبتنی بر هدف (صنعتی شدن) که به عقیده او کلید اصلی مدرنیسم و صنعتی شدن است، کم‌کم جایگزین کنش مبتنی بر ارزش می‌شود (فلیپ، ۱۳۸۷: ۳۵).

1. Max Weber

شایان ذکر است که عقلانیت مورد نظر وبر، عقلانیت ویژه‌ای است که او از آن به «عقلانیت رسمی» یاد می‌کند. این نوع عقلانیت، بر تجربه استوار بوده و بر مبنای آن، ساده‌ترین و ارزان‌ترین راه برای رسیدن به هدف انتخاب می‌شود و اهداف حسابگرانه، جایگزین اهداف و ارزش‌های حقیقی و جوهری مانند ایشار، زهد، پرهیزکاری و... می‌شوند (عضدانلو، ۱۳۸۸: ۴۲۶).

ب) مهم‌ترین عاملی که ارتباطی بین وبر و نظریه فرهنگی برقرار می‌کند؛ درک او از کنش انسانی است. وی که از اندیشه «ویلهم دیلتای»- از چهره‌های معتبر هرمنوتیک آلمانی- مبنی بر لزوم بررسی معانی ذهنی اثرگذارنده بر شیوه خاصی از کنش، برای شناخت انسان، الهام گرفته بود؛ به این امر معتقد شد که به عاملان انسانی باید به چشم فاعلانی مختار نگریسته شود که معنا آن‌ها را به حرکت درمی‌آورد و تحلیل‌گران باید بکوشند انگیزه یا نیت ذهنی نهفته در پس یک کنش را برملا سازند (آرون، ۱۳۸۷: ۵۶۷).

نظریه‌های فرهنگی معاصر

نظریه فرهنگی امام خمینی (ره)، مبتنی بر ساخت انسان فرهنگی است. ایشان موضوع انسان فرهنگی را به عنوان اصلی‌ترین جوهر فرهنگ قلمداد کرده و تکامل نظام اجتماعی را مستلزم ساخت انسان فرهنگی می‌دانند.

در حقیقت، امام خمینی پویایی فرهنگی را در اصل تعلیم و تربیت، تزکیه نفس، طهارت روح و عمل حسنه تبیین کرده و با استناد به تعالیم عالیه اسلام، فرهنگ را اساس جامعه می‌دانند. وی ضمن پذیرش نیازهای مادی و اقتصادی، به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان؛ نقش فرهنگ را تعیین‌کننده و امور دیگر را تابعی از آن می‌دانند و معتقدند که «بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد؛ فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. با انحراف فرهنگ، هرچند جامعه از بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ غرب باشد؛ ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد» (امام خمینی، صحیفه نور، جلد پانزدهم، انتشار سال‌های ۶۱ تا ۶۸: ۱۶).

از نظر حضرت امام، «اسلام دارای فرهنگ غنی انسان‌ساز است که ملت‌ها را بی‌گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه در مسیر اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می‌دهد» (امام خمینی، صحیفه نور، جلد نوزدهم، انتشار سال‌های ۶۱ تا ۶۸: ۲۰۴).

حضرت امام (ره)، فرهنگ اسلامی را «فرهنگ مستقل و خودکفا» می‌داند؛ به این معنا که این فرهنگ می‌تواند تمام احتیاجاتش را خود برآورده سازد. امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: «شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین و مترقی‌ترین فرهنگ است و با این فرهنگ اسلامی، باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند...» (امام خمینی، صحیفه نور، جلد دهم، انتشار سال‌های ۶۱ تا ۶۸: ۷۱).

از نظر امام خمینی، «وابستگی فرهنگی» منشأ سایر وابستگی‌ها و عامل عقب‌ماندگی کشور و «استقلال فرهنگی» عامل تحقق استقلال در سایر ابعاد است. ایشان ذکر می‌کنند: «اگر بخواهید از همه‌ی وابستگی‌ها خارج شوید؛ اول این وابستگی مغزی را (قبلی را) کنار بگذارید» (امام خمینی، صحیفه نور، جلد یازدهم، انتشار سال‌های ۶۱ تا ۶۸: ۱۸۴).

مبحث ساخته شدن و ساختن انسان در فرهنگ اسلامی؛ به دلیل فقدان این پروژه در فرهنگ‌های دیگر، بی‌شک یکی از مهم‌ترین اهداف امام خمینی (ره) بوده است. ایشان اهمیت فراوانی برای انسان‌سازی فرهنگ اسلامی و هدایت بشر به سمت اصول انسانی قائل بودند؛ زیرا هدف در اسلام، انسان‌سازی است و جایگاه تربیت انسانی و ساخته شدن نیز در فرهنگ است؛ فرهنگ اسلامی نیز که جزئی از نظام کامل اسلامی است، باید این ویژگی انسان‌سازی را دارا باشد (عزتی، ۱۳۷۶: ۲۵).

ویژگی‌های اصلی فرهنگ اسلامی در مقایسه با فرهنگ‌های غربی و استعماری، عبارت‌اند از:

- غنی بودن؛
- مترقی و موافق توسعه و پیشرفت بودن؛
- انسان‌سازی و هدایت انسانی؛
- استقلال از شرق و غرب؛
- توجه خاص به اصول اعتقادی و اخلاقی؛

- توجه ویژه به تعلیم و تربیت و تحصیل علم و دانش.

ویژگی مهم دیگری که امام خمینی به آن اشاره داشتند: توجه خاص به اصول اعتقادی و اخلاقی بشر در فرهنگ اسلامی است. در این باره ایشان می‌فرمایند: «برنامه فرهنگی، برنامه تهذیب انسان هاست. این تهذیب و تربیت اعتقادی - اخلاقی، موجب پشت‌پازدن انسان ها به انواع مفاسد و گرایش به اصول انسانی در رفتار و کردارشان می‌شود» (عزتی، ۱۳۷۶: ۱۶).

از نظر ایشان، «برنامه درازمدت، این است که شما خودتان را تهذیب کنید و بچه‌هایتان را برای آتیه» (امام خمینی، صحیفه نور، جلد ششم، انتشار سال‌های ۶۱ تا ۶۸: ۲۶۱). همچنین به عقیده ایشان، «رأس همه‌ی اصلاحات، اصلاح فرهنگ است» (امام خمینی، صحیفه نور، جلد دهم، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشار سال‌های ۶۱ تا ۶۸: ۵۵).

نظریه فرهنگی ایشان، مبتنی بر ساخت انسان فرهنگی است. در حقیقت امام خمینی، پویایی فرهنگ را در اصل تعلیم و تربیت، تزکیه نفس و عمل تبیین کرده و با استناد به تعالیم اسلامی، فرهنگ را اساس جامعه می‌دانند. ایشان مسائلی همچون هویت و موجودیت هر جامعه و سعادت و شقاوت یک جامعه را تابع فرهنگ ارزیابی می‌کنند. از نگاه ایشان، رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است.

پیشینه پژوهش

احمدپور و قادرزاده (۱۳۸۹)، تحقیقی با عنوان «تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان (تحلیلی درباره نتایج یک پیمایش در دانشگاه کردستان)» انجام دادند. نتایج به دست آمده از این تحقیق که بر اساس نظر ۳۶۱ نفر از دانشجویان دختر و پسر مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد سال تحصیلی (۱۳۸۸-۱۳۸۹) دانشگاه کردستان صورت گرفته؛ نشان می‌دهد که هویت دینی جوانان در ابعاد پنجگانه تجربی، پیامدی، اعتقادی، مناسکی و شناختی، تأثیرپذیری زیادی از تعامل در فضای سایبر دارد؛ به طوری که تعامل بیشتر در فضای سایبر، تضعیف هویت دینی دانشجویان را در ابعاد مذکور به همراه داشته است.

پیشگاهی فرد (۱۳۸۹)، پژوهشی با عنوان «تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه‌ی موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران)» انجام داد.

نتایج به دست آمده از این تحقیق که بر اساس نظر دانشجویان دختر دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ صورت گرفته، بیانگر آن است که فضای سایبر، در مواردی چون حقوق زنان و آشنایی زنان ایرانی به حقوق خود، عضویت در وب‌گاه‌های مربوط به زنان و ایجاد یک همبستگی و وحدت فکری، ایجاد اشتغال و بازاریابی اینترنتی و ابراز عقاید خود برخلاف گذشته از طریق اینترنت، تأثیر معناداری بر روی هویت زن سنتی گذاشته؛ اما در مواردی چون استفاده از مدهای اینترنتی، دوست‌یابی و پیگیری اخبار زنان از طریق اینترنت، نتوانسته است بر هویت زن ایرانی تأثیری ایجاد کند. در نتیجه، تأثیرپذیری زن ایرانی در اثر تعامل در فضای سایبر امری نسبی بوده است.

نتایج به دست آمده از تحقیق شوریده (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی رابطه بین استفاده از اینترنت و کج‌روی‌های اجتماعی در بین جوانان شهر همدان در سال ۱۳۸۹» که بر اساس نظر ۱۲۰ نفر از جوانان دختر و پسر ۱۸ تا ۳۰ سال ساکن شهر همدان صورت گرفته، نشان می‌دهد که: الف) بین ویژگی‌های شخصی کاربران اینترنت و کج‌روی آنان رابطه وجود دارد؛ ب) میانگین نمره میزان کج‌روی در پسران، بیشتر از دختران بوده است و ج) بین وضعیت تأهل و بروز کج‌روی در کاربران، رابطه وجود دارد.

بختیاری (۱۳۹۱)، با توجه به نتایج تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه هنجارهای اخلاقی و فضای مجازی (اینترنت) در میان کاربران»، بیان می‌دارد: «از آنجاکه فناوری اطلاعات، تحولات سیاسی- اجتماعی وسیع و شگرفی را پدید آورده است؛ مشکلات اخلاقی جدید و منحصر به فردی در این حوزه ایجاد شده که نیازمند رسیدگی است. فناوری اطلاعات نه تنها در چگونگی افعال و اقدامات روزمره تأثیر گذارده؛ بلکه تلقی ما از آن‌ها را نیز تغییر داده است. برخی از مفاهیمی که در حوزه فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی، کاربردی خاص داشته‌اند؛ با پیشرفت فناوری اطلاعات، دچار چالش‌هایی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به مفهوم مالکیت، مفهوم حریم خصوصی، مفهوم توزیع قدرت، آزادی‌های اساسی و مسئولیت اخلاقی اشاره کرد».

پژوهش وی، با هدف آزمون بررسی هنجارهای اخلاقی در فضای مجازی (اینترنت)؛ به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته و کاربردی است. جامعه آماری، شامل استفاده‌کنندگان از چت روم یاهو در دو اتاق بوده که اکثریت فارسی‌زبانان هستند. از ۵۰۰ پیغام ارسال شده، گفتگو با ۷۰ نفر به تفکیک جنسیت، تأهل، سن، تحصیلات و

سکونت با طرح موضوع هنجارهای اخلاقی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد مردان در اتاق گفتگوهای مجازی، بیشتر از زنان بوده و بیشتر پاسخ‌گویان دارای حداکثر ۳۰ سال سن و مجرد هستند. همچنین استفاده از فناوری نوین، با میزان تحصیلات ارتباط مستقیم داشته؛ به طوری که ۷۰ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی یا بالاتر هستند. با توجه به ویژگی اصلی فضای مجازی که در آن هویت کاربران پنهان می‌ماند؛ بنابراین بی‌پروایی و ساختارشکنی در زمینه بیان دیدگاه‌ها گسترش بیشتری دارد.

الگوی مفهومی پژوهش



فرضیه‌های پژوهش

با ملاحظه نظریه‌ها و بررسی دیدگاه‌ها موجود در خصوص نقش شیوه‌های فرهنگی پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی، الگوهایی که بتوان فرضیه‌ها و سؤال‌های این پژوهش را پوشش داده و راهکار مناسبی برای ادامه پژوهش باشد، به شرح زیر است: «شیوه‌های فرهنگی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش داشته است» فرضیه اصلی پژوهش بوده که در همین رابطه، فرضیه‌های توصیفی و تبیینی به شرح زیر بیان می‌شود:

- ۱- آگاه‌سازی خانواده‌ها، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش داشته است.
- ۲- ترویج سبک زندگی اسلامی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش داشته است.
- ۳- نظارت همگانی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش داشته است.
- ۴- راه‌اندازی اینترنت ملی (شبکه ملی اطلاعات)، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش داشته است.
- ۵- آموزش استفاده صحیح از ابزارهای ارتباط جمعی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش داشته است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش در این مقاله، توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش، متولیان فرهنگی همدان اعم از اساتید دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی، فرماندهان و مدیران، کارشناسان پلیس اطلاعات و امنیت عمومی، کارشناسان پلیس فتا، اساتید، روحانیون، کارشناسان فرهنگی و دبیران و معلمان و مربیان و... بودند که با توجه به تعریفی که از متولیان فرهنگی داشته‌ایم و پس از بررسی‌های به عمل آمده و مستندات ارائه شده؛ ۱۵۰۰ نفر برآورد شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. پرسش‌نامه با توجه به جدول کرجسی مورگان^۱ که حداقل باید در بین ۳۰۶ نفر توزیع شود؛ در بین ۳۱۰ نفر از متولیان فرهنگی همدان توزیع که در نهایت

1. Krejcie Morgan

فقط ۱۲۰ پرسش‌نامه صحیح به دست محقق رسیده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. روش جمع‌آوری اطلاعات، به صورت میدانی و ابزار آن مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته بود. برای روایی پرسش‌نامه، با استفاده از روش منطقی به بیست نفر از خبرگان و کارشناسان فن جهت محاسبه روایی ارجاع شد و برای پایایی آن، از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد که آلفای کل برابر با ۰/۷۸، درصد به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا داده‌های موجود در پرسشنامه استخراج شد و سپس با استفاده از نرم‌افزار اس. پی. اس. بهره‌گیری از آزمون کای اسکوئر^۲ و آزمون فریدمن^۳ و آزمون t تک نمونه‌ای^۴، مورد تجزیه و تحلیل گرفته است.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته و ویژگی‌های فردی پاسخگویان، اطلاعات حاصله نشان می‌دهد که:

- از ۱۲۰ نفر شرکت‌کننده در نمونه ۱۰۸ نفر (۹۰ درصد) مرد و ۱۲ نفر (۱۰ درصد) زن هستند.

- از ۱۲۰ نفر شرکت‌کننده در نمونه ۱۳ نفر (۱۰۸ درصد) مجرد و ۱۰۷ نفر (۸۹/۲ درصد) متأهل هستند.

- از ۱۲۰ نفر شرکت‌کننده در نمونه ۴ نفر (۳/۳ درصد) دارای مدرک دیپلم و کمتر، ۱۳ نفر (۱۰/۸ درصد) دارای مدرک فوق‌دیپلم، ۷۵ نفر (۶۲/۵ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی، ۱۸ نفر (۱۵ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر و ۱۰ نفر (۸/۳ درصد) دارای تحصیلات حوزوی هستند.

- از ۱۲۰ نفر شرکت‌کننده در نمونه ۴۳ نفر (۳۵/۸ درصد) سن ۲۰ تا ۲۹ سال، ۴۶ نفر (۳۸/۳ درصد) دارای سن ۳۰ تا ۳۹ سال، ۲۸ نفر (۲۳/۳ درصد) دارای سن ۴۰ تا ۴۹ سال و ۳ نفر (۳ درصد) دارای سن ۵۰ و بالاتر هستند. همچنین میانگین سنی افراد

1. Cronbach Alpha
2. Spss
3. Chi-Square
4. Firedman
5. T

نمونه مساوی ۳۴.۳۲، کمترین سن ۲۱ و بیش‌ترین سن ۵۲ سال با انحراف معیار ۷.۶۸ بوده است.

- از کل پاسخگویان ۷.۵ درصد به منظور تحقیقات علمی، ۲.۵ درصد به منظور بازی و سرگرمی، ۳۹.۲ درصد گفتگوی اینترنتی، ۳.۳ درصد ایمیل، ۵.۸ اخبار و ۳۸.۳ درصد سایر استفاده‌ها را از اینترنت دارند.

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه اصلی: شیوه‌های فرهنگی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش دارد.

جهت سنجش این فرضیه، از اندازه‌گیری ۱۴ شاخص استفاده و میانگین این شاخص‌ها محاسبه شد. با استفاده از آزمون میانگین T تک نمونه‌ای - جهت بررسی این فرضیه - به صورت زیر عمل شد:

فرض صفر: شیوه‌های فرهنگی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش ندارد.

فرض مقابل: شیوه‌های فرهنگی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش دارد.

جدول ۱: نتایج آزمون شیوه‌های فرهنگی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی

متغیر	آزمون T	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها
شیوه‌های فرهنگی	۱۹.۱۱	۱۱۷	۰.۰۰۰	۲۱.۴۵

با توجه به جدول، از آنجایی که سطح معناداری از ۰.۰۵ کمتر است؛ با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که فرض صفر رد می‌شود و فرض پژوهش مورد تأیید است؛ یعنی «شیوه‌های فرهنگی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی نقش دارند».

جدول ۲: نتایج آزمون نقش شیوه‌های فرهنگی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی

گزینه‌ها	شیوه‌های فرهنگی
آزمون کای اسکوئر	۷۶.۰۵
درجه آزادی	۳۴۲
سطح معناداری	۰.۰۰۰

با توجه به جدول، از آنجایی که سطح معناداری از ۰.۰۵ کمتر است؛ با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که سؤال‌های مربوط به شیوه‌های فرهنگی، دارای اولویت‌های مختلفی است. با استفاده از میانگین‌های به دست آمده از آزمون فریدمن، اولویت‌ها در جدول زیر قابل مشاهده است.

اولویت‌بندی شاخص‌های پژوهش: از آنجایی که میانگین شاخص‌های هر فرضیه، محاسبه و شاخص‌ها به ترتیب اولویت، دسته‌بندی شد؛ به منظور اولویت‌بندی شاخص‌ها و بررسی نقش شیوه‌های فرهنگی پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی (مطالعه موردی شهر همدان در سال ۹۴)، میانگین هر شاخص محاسبه و شاخص‌ها به ترتیب اولویت نقش آنان، در جدول زیر نمایش داده شده است:

جدول ۳: اولویت شاخص‌های پژوهش بر اساس میانگین

اولویت‌ها	شاخص	میانگین
اولویت اول	آگاه‌سازی خانواده‌ها	۳۰/۷۲
اولویت دوم	ترویج سبک زندگی اسلامی	۱۷/۲۸
اولویت سوم	نظارت همگانی	۱۲/۳۱
اولویت چهارم	راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات	۱۲/۳۱
اولویت پنجم	آموزش استفاده صحیح از ابزارهای ارتباط جمعی	۱۱/۹۷

همان‌طور که ملاحظه می‌شود و با توجه به میانگین به دست آمده؛ آگاه‌سازی خانواده‌ها، بیش‌ترین نقش را داشته و مؤثرترین عامل پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی بوده که در اولویت اول قرار دارد و پس از آن، ترویج سبک زندگی اسلامی در رتبه دوم و سپس نظارت همگانی، در رتبه سوم قرار گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع، یافته‌های این پژوهش در خصوص نقش شیوه‌های فرهنگی پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی؛ نشان می‌دهد که آگاه‌سازی خانواده‌ها، بیش‌ترین نقش را در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی به عهده دارند. امروزه با توجه به حضور پررنگ فضای مجازی در تمامی خانواده‌ها- به عنوان بستری برای تعاملات و ارتباطات شبکه‌ای و کارکردهای منفی و مثبت- آگاه‌سازی خانواده‌ها، مهم‌ترین عامل در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی است. بر اساس نظریه فرهنگی حضرت امام

خمینی (ره)؛ انسان فرهنگی، به عنوان اصلی‌ترین جوهر فرهنگ قلمداد شده و تکامل نظام اجتماعی، مستلزم ساخت انسان فرهنگی است که با برنامه فرهنگی و از طریق تهذیب صورت می‌پذیرد که این تهذیب و تربیت اعتقادی-اخلاقی، موجب پشت‌پازدن انسان‌ها به انواع مفسد و گرایش به اصول انسانی در رفتار و کردار می‌شود. یکی دیگر از نتایج این پژوهش، ترویج سبک زندگی اسلامی است که عاملی مؤثر در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی است. سبک زندگی، بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی است و یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی، عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن و... که بسیار مهم است و فهم دقیق از سبک زندگی اسلامی و عمل به آن، موجب تعالی انسان می‌شود. نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که عواملی مانند: معرفی سبک زندگی اسلامی، تقویت باورهای دینی و ترویج ازدواج‌های آسان؛ می‌تواند در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی مؤثر واقع شود. همچنین یافته‌های این پژوهش، بیانگر تأثیر نظارت همگانی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی است که به نتایج تحقیق احمدپور و قادرزاده (۱۳۸۹) و رفعت‌جاه و شکوری (۱۳۸۷) نزدیک است.

یافته‌ها نشان داد که ظهور رسانه‌های ارتباطی نوین؛ همانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، در زندگی روزمره کاربران نقش پررنگی پیدا کرده و این واقعیت غیرقابل‌انکار را با تمام توانایی‌های خود، نمی‌توان بدون نظارت رها کرد. تحقیقات مرتضوی (۱۳۸۹)، احمدی (۱۳۸۳) و شوریده (۱۳۸۹) نیز بر این نتایج تأکید داشته و به بحث درباره آن پرداخته است. همچنین یافته‌های تحقیق، تأکید می‌کند که نظارت همگانی، از طریق متغیرهایی مانند ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر که همانا فرهنگ حضور فعال در جامعه و احساس مسئولیت نسبت به پدیده‌های اجتماعی و دوری از بی‌تفاوتی نسبت به ترویج فرهنگ نظام سلطه است و مشاوره‌های تخصصی و راه‌اندازی سامانه پلیس افتخاری- بنا به نظر صاحب‌نظران و نخبگان- عاملی مهم و اساسی، در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی است.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش و از آنجایی که شیوه‌های فرهنگی (آگاه‌سازی خانواده‌ها، ترویج سبک زندگی اسلامی، نظارت همگانی، راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و آموزش استفاده صحیح از ابزارهای ارتباط جمعی)، تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از جرائم اخلاقی در فضای مجازی دارد؛ موارد زیر که برگرفته از یافته‌های پژوهش است، به اختصار به عنوان پیشنهاد ارائه می‌شود:

۱- بر اساس یافته‌های فرضیه اول تحقیق؛ باید بر آگاه‌سازی هر چه بیشتر خانواده‌ها در خصوص تهدیدهای فضای مجازی و آشنا کردن آن‌ها با فرصت‌های موجود در فضای مذکور و ترویج ازدواج‌های آسان و به هنگام جوانان، با اجرای سیاست‌های تشویقی به منظور پیشگیری از ارتکاب جرائم اخلاقی در فضای مجازی تأکید شود.

۲- بر اساس یافته‌های فرضیه دوم تحقیق؛ باید ترویج سبک زندگی اسلامی برای آحاد جامعه، با بهره‌گیری از قدرت رسانه و عملیات روانی و ظرفیت و توان نهادهای فرهنگی کشور اجرا شود.

۳- بر اساس یافته‌های فرضیه دوم تحقیق؛ باید بر ترویج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی از طریق ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر با همکاری نهادهای فرهنگی و راه‌اندازی سامانه پلیس افتخاری در فضای مجازی، جهت گزارش‌دهی تارنماهای متخلف توسط آحاد مردم به پلیس فتا، همت بیشتری گمارده شود.

۴- بر اساس یافته‌های فرضیه چهارم تحقیق؛ راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات (اینترانت ملی) و تولید و عرضه شبکه‌های اجتماعی بومی جذاب و رایگان، با امکانات بهتر از مشابه خارجی عملیاتی شود.

۵- بر اساس یافته‌های فرضیه پنجم تحقیق؛ باید بر آموزش استفاده صحیح از ابزارهای ارتباط جمعی - با افزایش سطح آگاهی‌های مردم با گنجاندن دروسی در خصوص آداب اخلاقی در فضای مجازی - برای دانش آموزان و دانشجویان و ساخت و پخش فیلم‌های آموزنده از سیمای مرکز جمهوری اسلامی ایران همت بیشتری گمارده شود.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی انحرافات**. تهران: سمت.
- اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۷). **درآمدی بر نظریه فرهنگی**، ترجمه حسن پویان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸-۱۳۶۱). **صحیفه نور**، جلد پانزدهم.
- امین صارمی، نوذر (۱۳۸۴). **درآمدی بر روش پژوهش**، تهران: انتشارات جام جم.
- بوردیو، پیر (۱۹۸۰). **درباره تلویزیون و سلطه ژورنالیسم**، ترجمه ناصر فکوهی، انتشارات آشیان.
- پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۹). **زن در توسعه و سیاست، پژوهش زنان**، دوره ۸، شماره ۲.
- رفعت‌جاه، مریم و علی شکوری (۱۳۸۷). **اینترنت و هویت اجتماعی، فصلنامه دانشگاه تهران**، دوره سوم، شماره یک.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، ترجمه محمدصادق مهدوی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ریمون، آرون (۱۳۸۷). **مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمه باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۶). **مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی**، تهران: ققنوس، چاپ اول.
- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۵). **فرهنگ مردم‌پسند و شهر مردم‌پسند، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، تهران: سال ۲، شماره ۵.
- عبداللهیان، حمید (۱۳۸۴). **نوع‌شناسی و بازتعریف آسیب‌های اینترنتی و تغییرات هویتی در ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال اول.
- عبداللهیان، حمید و ابادر توکلی (۱۳۸۲). **ساخت جهان مجازی با دلالت‌های فرانمایی**.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۶). **فرهنگ و توسعه از دیدگاه امام خمینی**، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.

- عضدانلو، حمید (۱۳۸۸). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، تهران: نی، چاپ سوم.
- کازینو، ژان (۱۳۶۴). قدرت تلویزیون، تهران: اطلاعات.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، پایان هزاره، ترجمه علی قلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، چاپ نوزدهم.
- والاس مارک (۱۳۸۶). آموزش آسان ایمیل، ترجمه خلیل رضایی و ابوالفضل طاهریان ریزی، موسسه کتاب آزاد.
- Manuel Castells and Gustavo Cardoso, "The Network Society: From Knowledge to Policy", Paperback, 2006.
- Manuel Castells, "The Network Society: A Cross-Cultural Perspective", Paperback, 2005.
- Manuel Castells(2000).The Rise of the Network Society", Paperback,.
- Manuel Castells: The Theory of the Network Society (Key Contemporary Thinkers)", Felix Stalder, Paperback, 2006.
- Rogers, E., & Kincaid, D. L. (1981). Communication networks. New York: Free Press.
- Smith, L.R. (1999). Intercultural network theory. International Journal of Intercultural.
- Hampton, Keith N.& Wellman, Barry (1999) Netville on-line and off-line: Observing and surveing a wired suburb. American Behavioral scientist. Vol.43.no.3.pp.475-492.